

خوابگاه؛ خاطره‌ای در یاد، لبخندی بر لب

از زندگی خوابگاهی، تنها يك اتاق به هم ریخته همیشگی در یادش مانده و شوخی‌ها و خنده‌هایی که گاه باعث کتک و کتک‌کاری شده است.



جام جم آنلاین: از زندگی خوابگاهی، تنها يك اتاق به هم ریخته همیشگی در یادش مانده و شوخی‌ها و خنده‌هایی که گاه باعث کتک و کتک‌کاری شده است.

هنوز هم دلش برای آن زندگی تنگ می‌شود. جوراب‌های شسته‌شده آویزان از نرده‌های تخت‌های دوطبقه، تجربه هرباره زلزله با پایین‌آمدن هم‌اتاقی از تخت بالای سرش، بیدار ماندن‌های شب امتحان و تصمیم تکراری هر ترم برای خواندن درس‌ها در طول ترم، مهمانی‌های دوستانه از این اتاق به آن اتاق، گرسنگی‌کشیدن و نخوردن غذای خوابگاه، ماکارونی و املت در طعم‌ها و رنگ‌های گوناگون و... یادآور خاطراتی هستند که تنها یادش بخیری از آنها مانده است. حالا چند سال از آن روزها می‌گذرد و یاد آن روزهای بی‌خیالی، لبخندی بر لبش می‌نشانند. خودش می‌گوید: روزهای بد هم داشتیم. روزهایی که سیگار را به دستم داد و از آن روز تا امروز هر بار که سیگاری روشن کردم بر خودم لعن و نفرین فرستادم که این چه کاری است من می‌کنم. روزهای دلتنگی و دوری از خانه. سختی‌هایی که تصور نمی‌کردیم پایانی داشته باشد، اما آنچه بیشتر در ذهنمان مانده خاطرات خوش است و دوستی‌هایی که بعضی از آنها تا امروز هم ادامه دارد. یکی از خاطراتش را تعریف می‌کند که تا مدت‌ها باعث خنده هم‌اتاقی‌ها بوده است.

می‌گوید: يك روز خسته و گرسنه از دانشگاه برگشتیم. هم‌اتاقی‌ها غذا را گرفته بودند و منتظر ما بودند. غذا را که پلو با خورش قیمه بود در ماهیتابه گرم کردیم و وسط اتاق گذاشتیم. وقت کشیدن غذا با یکی از دوستان بحثم شد. او می‌گفت همه در همان ماهیتابه غذا را با هم بخوریم و من که حساسیت زیادی به این موضوع داشتم، اصرار می‌کردم هر کس غذایی را در بشقاب بکشد. بحث بالا گرفت و من ظرف پلو را در یقه دوستم خالی کردم او هم ظرف خورش را در یقه من ریخت. بلند شدیم که همدیگر را بزنیم، اما با دیدن قیافه‌هایمان به خنده افتادیم و تا مدت‌ها بر سر این ماجرا می‌خندیدیم.

خاطرات خوابگاه برای خیلی‌ها خاطرات خوشی است و برای عده کمتری خاطرات بد. وارد شدن دانش‌آموز نازپرورده به اتاقی شلوغ با هم‌اتاقی‌هایی که حتی نامشان را نمی‌داند، چشم‌انداز نه‌چندان زیبایی از ترم اول دانشجویی راه دوری است که برای درس‌خواندن، سختی راه را بر خود هموار کرده است. همه اینها در کنار دوری از خانه و خانواده و بر دوش گرفتن کارهایی که شاید تا آن روز هیچ‌گاه انجام نداده است. هر چند عده‌ای معتقدند همین کارها و سختی‌هاست که فرد را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند و مستقل بودن را به او می‌آموزد، اما معمولاً آنها که تجربه این نوع زندگی را دارند تا زمانی که در خوابگاه هستند، از آن می‌نالند.

لذت زندگی در خوابگاه؛ آموزش سازگاری

شهرزاد، دانشجوی کارشناسی ارشد یکی از دانشگاه‌های اصفهان است که از شیراز به این شهر آمده است.

او می‌گوید: معمولاً در هر اتاق يك نفر هست که اعصاب بقیه را به هم بریزد. کسی که بقیه را از زندگی خوابگاهی زده می‌کند. بویژه دانشجویان ترم اول که اگر با چنین کسی هم اتاق شوند، کمتر می‌توانند با قضیه کنار بیایند.

شهرزاد حالا هفت سال از بهترین سال‌های عمرش را در خوابگاه‌های مختلف گذرانده است و درباره آن احساسی دوگانه دارد. از دوستی‌ها و خوشگذرانی‌های دوستانه با هم‌اتاقی‌ها یاد می‌کند، اما این را منوط به همگن بودن همه افراد يك اتاق می‌داند.

شهرزاد معتقد است که زندگی در خوابگاه‌ها و دور شدن از خانواده می‌تواند اثرات سوئی نیز بر دانشجویان داشته باشد، اما با همه این حرف‌ها باز هم او از بزرگ شدن دانشجویان در زندگی خوابگاهی می‌گوید؛ بویژه دختران بی‌تجربه‌ای که از شهرهای کوچک به دانشگاه می‌آیند و زندگی خوابگاهی به آنها می‌آموزد چگونه مستقل زندگی کنند و با دیگران کنار بیایند. او می‌گوید: زندگی در کنار فرهنگ‌های گوناگون با اخلاق و آداب متفاوت گرچه سخت است، اما افراد را سازگارتر می‌کند و به آنها یاد می‌دهد چگونه برخی موضوعات و اختلاف‌نظرها را نادیده بگیرند تا بهتر زندگی کنند.

بیشترین سختی زندگی خوابگاهی ترم اول است

کیوان کریمی، یکی دیگر از دانشجویانی است که سال‌های زیادی را در خوابگاه زندگی کرده است. او هم خاطرات تلخ و شیرینی از روزها و شب‌های خوابگاه دارد.

او از روزهای اول ورود به خوابگاه می‌گوید: دوری از خانواده خیلی سخت است. بویژه که در ترم اول به صورت اتفاقی هم‌اتاقی‌ها انتخاب می‌شوند و دانشجو حق انتخاب هم‌اتاقی خود را ندارد که همین موضوع باعث ایجاد تنش‌هایی می‌شود.

نکته: زمانی که دانشجویان به خوابگاه وارد می‌شوند به سمت تشکیل سرمایه‌های اجتماعی می‌روند و حلقه‌هایی مانند حلقه‌های دانشجویان هم‌شهری، هم‌زبان یا کسانی به سبک زندگی نزدیک به هم در بین آنها شکل می‌گیرد. وی به سرخوردگی‌های دانشجویان از نمره‌های پایین‌شان اشاره دارد و می‌افزاید: معمولاً افرادی که به دانشگاه می‌آیند دانش‌آموزانی زرنگ هستند و نمره‌های 14 و 15 برای آنها غریب است. در دوران دانشگاه هم که گرفتن نمره‌های بالا چندان مقدور نیست. به همین دلیل در پایان ترم اول معمولاً دانشجو خیلی سرخورده می‌شود و تصمیم می‌گیرد در ترم بعد جبران کند، اما این اتفاق نمی‌افتد و فرد دچار مشکلات شخصیتی و رفتاری می‌شود و حتی به مسائلی نظیر سیگار کشیدن یا اعتیاد روی می‌آورد.

او معتقد است: متأسفانه در برخی موارد، جو ناسالمی بر خوابگاه‌ها حاکم می‌شود به گونه‌ای که برخی دانشجویان سیگار کشیدن را نشانه رشد شخصیت می‌دانند و کسی را که سیگار نمی‌کشد مورد تمسخر قرار می‌دهند. این جو ممکن است برخی را به سمت اعتیاد سوق دهد در حالی که خانواده‌ها با اطمینان کامل فرزندان خود را به خوابگاه می‌آورند و به او اعتماد دارند. به همین دلیل حتی نمی‌توانند تصور کنند فرزند آنها معتاد شده یا مشکلات اخلاقی پیدا کند.

وی در عین حال به یافتن دوستان جدید به عنوان یکی از خوبی‌های زندگی در خوابگاه اشاره می‌کند و می‌گوید: این موضوع بویژه برای کسانی که روابط عمومی بالایی دارند، بسیار لذتبخش است.

سازگاری با محیط، یادگرفتن زبان‌های دیگر، شناخت فرهنگ‌های گوناگون و آداب و رسوم شهرهای مختلف همه از مزیت‌هایی است که دانشجویانی که زندگی خوابگاهی را تجربه کردند از آن برخوردارند. کیوان می‌گوید: ما دانشجویی داشتیم که در ترم اول بشدت خجالتی بود، اما بعد از چند ترم هیچ مشکلی نداشت و اعتماد به نفس بالایی به دست آورده بود و این به برکت زندگی در خوابگاه بود.

او معتقد است: بیشترین سختی زندگی خوابگاهی در ترم اول است که اجازه انتخاب هم‌اتاقی به دانشجو داده نمی‌شود، اما در ترم‌های بعدی که می‌توانیم خودمان هم‌اتاقی‌هایمان را انتخاب کنیم خیلی از مشکلات رفع می‌شود و ناسازگاری‌ها کاهش می‌یابد.

سرمایه‌ای به نام زندگی خوابگاهی

زندگی خوابگاهی موضوعی است که دکتر زند رضوی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان نیز به آن اشاره می‌کند.

دکتر زند رضوی می‌گوید: زمانی که دانشجویان به خوابگاه وارد می‌شوند به سمت تشکیل سرمایه‌های اجتماعی می‌روند و حلقه‌هایی مانند حلقه‌های دانشجویان هم‌شهری، هم‌استانی، هم‌زبان یا کسانی به سبک زندگی نزدیک به هم در بین آنها شکل می‌گیرد. دانشجو باید این حق را داشته باشد افرادی را که می‌خواهد با آنها زندگی کند، انتخاب کند اما در برخی دانشگاه‌ها اجازه نمی‌دهند این سرمایه اجتماعی ساخته شود و به اجبار، دانشجو را وارد حلقه‌ای می‌کنند که خودش آنها را انتخاب نکرده و نسبت به آنها احساس نزدیکی ندارد.

این جامعه‌شناس به مسائل زندگی خوابگاهی اشاره می‌کند و می‌گوید: هر زندگی جمعی برای خود مسائلی دارد که باید حل و فصل شود. زندگی خوابگاهی هم از این قاعده مستثنا نیست. البته درصد زیادی از این مسائل در بین خود دانشجویان حل می‌شود، اما همین حل و فصل مشکلات باعث می‌شود دانشجو مشارکت را تمرین کند و مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، نحوه اجرای برنامه‌ها و گرفتن تصمیمات بهتر را بیاموزد.

وی تأکید می‌کند: باید این فرصت را در اختیار دانشجویان قرار داد؛ هرچند برخی دانشگاه‌ها با بی‌انصافی خوابگاه در اختیار دانشجو قرار نمی‌دهند و آنها را از حق داشتن یک محیط امن برای گذراندن دوران دانشجویی محروم می‌کنند.

دکتر زند رضوی زندگی خوابگاهی را یک تمرین مهم برای حل مسائل به شیوه گفت‌وگو می‌داند و می‌افزاید: معمولاً دانشجویانی که به خوابگاه می‌آیند افرادی هستند که در خانه نیز در یک محیط جمعی و از قبل تمرین‌هایی برای زندگی مشارکتی داشته‌اند، زیرا دانشجویانی که خانواده‌هایشان وضع مالی خیلی خوبی دارند، معمولاً خانه‌های مستقل می‌گیرند و به خوابگاه نمی‌روند.

اما به هر حال زندگی خوابگاهی این فرصت را به دانشجویان می‌دهد که بهتر با اطرافیان خود توافق کنند و بفهمند زندگی یک مبادله

همزمان است که در آن از هر دست بدهند از دست دیگر پس می گیرند.

الیزا ذوالقدر / جام جم